



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابى القاسم المصطفى محمد و آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید، خیلی خرسند بودیم امروز، واقعاً استفاده کردیم؛ بحمدالله این دائره‌ی مبارک انس با قرآن و تلاوت قرآن روزبه‌روز در کشور ما توسعه‌ی بیشتری پیدا میکند و این از برکت انقلاب و نظام اسلامی است. البته امسال ما در غم فقدان این عزیزانی که عکسشان اینجا است (۱) - به نظرم همه‌شان سال گذشته اینجا بودند، با ما بودند، بعضیشان خواندند، تشویقشان کردیم، تأییدشان کردیم - امیدواریم ان شاءالله خدای متعال این عزیزان را در جوار قرآن، در سایه‌ی قرآن، با شفاعت قرآن به مراتب عالی‌ه‌ی رحمت و غفران خودش برساند؛ به بازماندگان‌شان صبر بدهد؛ و حج نیمه‌تمام آنها را به تمامی و به بهترین وجه مورد قبول قرار بدهد.

زیبایی قرآن فقط در معانی و معارف قرآن نیست؛ الفاظ قرآن هم زیبا است. همین زیبایی لفظی موجب شد که آن کسانی که دل‌هایشان را قفل زده بودند و بر روی قرآن بسته بودند و حاضر نبودند مفاهیم قرآن را در هنگام نزول بفهمند و ببینند و استفاده کنند و قبول کنند، همانها هم در مقابل زیبایی معجزآسای این الفاظ درماندند؛ با این دیگر کاری نمیتوانستند بکنند. الفاظ قرآن، آهنگ قرآن، شیوه و سبک قرآن، خودش یک معجزه است. قرآن شعر نیست، نثر هم نیست؛ چیزی است که نه شعر است، نه نثر است اما هم زیبایی بهترین شعر را و هم زیبایی بهترین نثر را دارد. وزن هم گاهی در بعضی از آیات قرآن هست اما زیبایی لفظی قرآن با وزن نیست؛ آنجایی که وزنی هم وجود ندارد، زیبایی و لفظ قرآن، انسان را مجذوب میکند؛ تعبیر «مسحور» درست نیست اما باید بگوییم دل انسان را میرباید. این جورى است.

خب، از این زیبایی باید به عنوان ابزار استفاده کرد؛ مقصود از قرآن، این نبود که کلام زیبایی را ارائه کند تا فصحاء و بلغاء و شعرا و مانند اینها در مقابل آن تصدیق کنند و به زانو دربیایند و مجبور بشوند بگویند این خوب است، زیبا است؛ مقصود این نیست فقط؛ مقصود این است که ما از این دریچه، از دریچه‌ی زیبایی، خودمان را برسانیم به آن فضای بوستان پربرکت و پرشکوه معارف قرآنی؛ مقصود این است. هرچه که لفظ قرآن زیبا است، هزار برابر - حالا من هزار را به عنوان یک حرف رائج عرض میکنم؛ شاید هزاران برابر، ما که قادر به اندازه‌گیری نیستیم - معنای قرآن و معارف قرآن زیباتر است. چه کسی آن را میفهمد؟ آن کسی که تدبّر کند، در دل را باز کند، این حقایق را به دل راه بدهد. در هر عصری، در هر زمانی، اگر انسانی که با مسائل زندگی سروکار دارد و مسائل زندگی برایش مهم است، با قرآن این جور ارتباط نزدیک داشته باشد، معجزه‌ی قرآن را درمی‌یابد؛ بعضی کمتر بعضی بیشتر؛ در بعضی زمانها کمتر در بعضی زمانها بیشتر.

به نظر من معجزه‌ی معارف قرآنی را اگر ما اهل دل باشیم «لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ»؛ (۲) اگر اهل دل باشیم، اگر گوش جان را در اختیار قرآن بگذاریم، ما امروز بیشتر میتوانیم به معجزیت قرآن پی ببریم از آنهایی که هزار سال قبل بودند. در این دنیای پیچیده، در این دنیای طوفانی، در این دنیای سرشار از معضلات - این قدرتها، این پیشرفت علمی - اینجا است که قرآن وقتی وارد میدان میشود، وقتی حرف میزند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»، آدم این را حس میکند که واقعاً «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ». (۳)



خب، [از خواندن] شما خوش خوان-ها - که امروز من واقعا لذت بردم از خواندن [شما] ؛ چه خواندن‌های فردی، چه خواندن جمعی، چه این آهنگهایی که اجرا کردند- واقعا انسان قلباً لذت معنوی میبرد ؛ و دو لذت: یک لذت از خود- این خواندن‌ها و تلاوت‌ها و صداها و اجراها ؛ یک لذت - که برای بنده‌ی حقیر این لذت دوم بالاتر از لذت اول است- لذت مشاهده‌ی رشد روزبه‌روز قرآنی‌های کشور. بیست سال پیش این خبرها نبود، سی سال پیش این خبرها نبود، قبل از انقلاب اصلاً این خبرها نبود که جوان ما، میان‌سال ما، کودک ما، نوجوان ما، در راه قرآن، در راه حفظ، در راه شیوه‌های تلاوت [باشند].

خب، این زیبایی‌هایی که امروز شما آفریدید - و هرچه می‌توانید بیشتر از این بیافرینید، باید بیافرینید- اینها باید دریچه‌ای باشد به سمت معارف قرآن ؛ ما را باید آشنا کند و مأنوس کند با قرآن. قرآن را با آوازه‌خوانی اشتباه نگیرید ؛ آوازه‌خوانی یک مقوله‌ی دیگر است ؛ البته الان متأسفانه در خوانندگان مصری کسانی هستند که تالی قرآنند اما آواز می‌خوانند، آوازه‌خوانی می‌کنند ؛ هستند. آن قراء نسل‌های قبل -مثل شیخ مصطفی اسماعیل، مثل شیخ عبدالفتاح شعشائی، حتی مثل محمد رفعت- این بزرگان همه موسیقی‌دان بودند اما قرآن را با آهنگ و الحان قرآنی می‌خواندند ؛ نمی‌گذاشتند با الحان کاباره‌ای و نمیدانم موسیقی‌های مبتذل مخلوط بشود. امروز بعضی‌ها این ملاحظات را ندارند ؛ آدم میبیند در آنها. این زیبایی‌ها باید ما را به قرآن نزدیک بکند ؛ باید انس ما را با قرآن زیاد کند.

یکی از کارهایی که خیلی خوب است در کشور انجام بگیرد -البته کم‌وبیش هست، قبل از انقلاب هم به یک شکلی بود ؛ بعد از انقلاب البته بهتر است و به یک شکل بهتری وجود دارد لکن باید رواج پیدا کند- این است که ما جلسه‌ی تلاوت قرآن داشته باشیم. قبل از انقلاب خب جلسه‌ی دوره و قرآن داشتیم ؛ بنده خودم آن وقتها چندین جلسه‌ی این‌جوری تشکیل میدادم و حضور پیدا میکردم و دیده بودم و شرکت کرده بودم ؛ آن منظور نیست ؛ آن جلسات برای تعلیم قرآن بود ؛ یکی یکی می‌خواندند، تعلیم پیدا میکردند. منظور از جلسه‌ی تلاوت قرآن این است که جلسه‌ای تشکیل بشود، افراد حاضر بشوند، قاری قرآن بنشینند آنجا یک ساعت -کمتر یا بیشتر- قرآن بخواند ؛ مستمعین [هم] فقط برای شنیدن قرآن بیایند آنجا بنشینند ؛ بیایند بنشینند و قرآن را بشنوند. این خیلی مؤثر است. این از خواندن خود انسان هم در مواردی تأثیرش بیشتر است. بعضی هستند که معانی قرآن را می‌فهمند، معانی این کلمات را می‌فهمند. ما البته -غیرعربها- این بداقبالی را داریم که زبانمان زبان قرآن نیست ؛ عربها زبانشان زبان قرآن است ؛ وقتی که قاری روی یک جمله‌ای تأکید میکند و آن را تکرار میکند و دو بار سه بار پنج بار می‌گوید، آنها همه متوجهند که او چه دارد می‌گوید. اگر بخواهیم یک تشبیه ناقصی بکنیم، فرض بفرمایید مثل این جملاتی که از گلستان سعدی مثلاً در ذهن همه‌ی ماها هست ؛ مثلاً فرض کنید «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است» را وقتی بگویند، همه می‌فهمند، گوش میکنند. جملات قرآنی که هزاران برابر حکمتش بیشتر است -هم کمأ، هم کیفأ- وقتی قاری آن را می‌خواند، مستمع عرب این را درک میکند ؛ [اما] مستمع غیر عرب ممکن است بفهمد، ممکن است نفهمد. سعی کنیم اولاً با زبان قرآن آشنا بشویم ؛ با زبان قرآن خودمان را آشنا کنیم ؛ این یکی از امتیازاتی است که اگر چنانچه این را بتوانیم تأمین کنیم در جامعه‌ی خودمان [خوب است] ؛ روی این در قانون اساسی ما و در قوانین اولی انقلاب تأکید شده، روی این تکیه شده که ما باید زبان عربی را -که زبان قرآن است- یاد بگیریم. آنهایی هم که حالا ندارند این امکان را یا نمیتوانند، خیلی خب قرآن را جلویشان باز کنند، این قاری شروع کند قرآن خواندن -حالا اینجا قرائی ما مثلاً ده دقیقه، دوازده دقیقه می‌خوانند، آنجا یک ساعت بخوانند ؛ یک ساعت، سه ربع ساعت، یک نفر یا دو نفر، قرآن بخوانند، تلاوت کنند، با صوت خوش، با همین شیوه‌های قرائتی دارای زینت تلاوت- و افراد حاضر باشند، قرآن را باز کنند، اگر معنایش را نمی‌فهمند ترجمه را نگاه کنند و گوش کنند به آنچه که او [می‌خواند]. این از جمله‌ی چیزهایی است که معارف قرآن را در کشور توسعه میدهد: جلسات قرآن ؛ اصلاً جلسه برای قرآن. مثل اینکه جلسه برای محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌گذاریم -جلسه‌ی مرثیه یا جشن برای ائمه (علیهم‌السلام)- یکی از دو ثقل، اهل بیت هستند، یک ثقل دیگر هم قرآن است ؛ جلسه برای قرآن بگذارید. این از



جمله‌ی کارهایی است که اگر ان شاء الله انجام بگیرد و رواج پیدا کند و شما قرآنی‌ها - این کار، کار شما است - همت کنید و یک چنین مجالسی تشکیل بدهید، سرعت رشد حرکت قرآنی در کشور را افزایش خواهد داد و [مردم را] آشنا خواهد کرد.

و بدانید عزیزان من! امروز دنیا محتاج قرآن است؛ چه قبول کند و اعتراف کند و چه اعتراف نکند. امروز دنیا در خلأ هویتی است، در خلأ فکری است، در خلأ ایمانی است؛ انسان بی‌ایمان مثل یک میوه‌ی پوک و از درون خالی میماند. اینکه شما می‌بینید قتل و جنایت در کشورهای غربی روزبه‌روز زیاد میشود به خاطر این است، یکی از عللش این است؛ اینکه می‌بینید خودکشی زیاد میشود، یکی از عللش این است. بشر دیگر متاعی برای قانع کردن ذهن و دل و جان انسانها ندارد که ارائه کند. می‌گویند، می‌بافند، اما در دلهای مردم قبول پیدا نمیکند. قرآن چرا. اگر چنانچه رشحه‌ای از رشحات قرآن - نه کل قرآن، [فقط] یک رشحه‌ای از رشحات قرآن - با بیان متناسب امروز فرستاده بشود، دلها جذب میشود؛ ما خودمان این را داریم تجربه میکنیم، این را داریم می‌بینیم؛ امروز بشر، محتاج قرآن است.

و قرآن در دنیای امروز میتواند فعال مایشاء باشد؛ میتواند کار بکند، میتواند پیش برود. قدرتها و ابرقدرت‌ها و بمب اتم و رژیم صهیونیستی و امثال اینها، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند؛ مهم این است که ما پایه‌های ایمانی قرآنی خودمان را روزبه‌روز مستحکم‌تر کنیم، و زبان انتقال قرآن را بلد بشویم و مفاهیم قرآن را منتقل کنیم؛ مثل یک داروی مقوی که شما یک قطره‌اش را در یک لیوان میریزید میدهید طرف میخورد و استفاده میکند؛ [اما] اگر پنج قطره به جای یک قطره ریختید ممکن است ضرر کند و نتواند هضم کند؛ آن زبان مناسب را باید پیدا کرد؛ منتها ما باید خودمان را اشباع کنیم، دل‌هایمان را اشباع کنیم، روحمان را اشباع کنیم و پُرکنیم از معارف قرآنی؛ ما خودمان هم خیلی محتاجیم.

برکات قرآن در این چیزهایی که بنده با بیان قاصر عرض کردم، محدود نمیشود؛ برکات قرآن برکات بی‌انتهایی است. در قرآن و با قرآن عزت هست، قدرت هست، پیشرفت هست، رفاه مادی هست، تعالی معنوی هست، گسترش فکر و عقیده هست، شادی و سکینه‌ی روح هست؛ سکینه و آرامش روح؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا. (۴) وقتی که آن آرامش دینی و آن سکینه‌ی دینی آمد، تقوا زیاد میشود: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ این سکینه و آرامش موجب میشود ایمان انسان روزبه‌روز افزایش پیدا کند؛ ایمان به چه؟ ایمان به خدا، ایمان به قدرت الهی؛ دنبالش میگوید: وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ (۵) همه چیز دست خدا است، همه چیز لشکر خدا است. در یک جای دیگر [میگوید]: وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ؛ (۶) هیچ کس جز خود او، قادر به شمارش جنود الهی نیست. قرآن این است: یک قدرت فوق‌العاده و بی‌انتهای که ما به قدر ظرفیت خودمان باید بتوانیم ان شاء الله از آن استفاده بکنیم.

به‌هرحال امیدواریم خداوند شماها را حفظ کند، شما جوانها را حفظ کند؛ خدا شما جوانها را به ما بیخشد ان شاء الله، محفوظ باشید و پای قرآن بایستید و ان شاء الله قرآنی زندگی کنید و قرآنی دنیا را ترک کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) قاریان: حسن دانش، محسن حاجی حسنی کارگر، محمدسعید سعیدی‌زاده، امین باوی، فؤاد مشعلی

(۲) سوره‌ی ق؛ بخشی از آیه‌ی ۳۷

(۳) سوره‌ی اسرا؛ بخشی از آیه‌ی ۹



۴) سوره‌ی فتح، بخش از آیه‌ی ۲۶؛ «... پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت...»

۵) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمان و زمین از آن خدا است...»

۶) سوره‌ی مدثر، بخشی از آیه‌ی ۳۱؛ «... سپاهیان پروردگارت را جز او نمیداند...»